واژه‌شناسی توصیفی آموزش

تهیه و تنظیم: علی‌رضا یوسفی

آزمون‌های تشخیصی (Diagnostic Test)

آزمون‌های تشخیصی نوعی از آزمون‌های پیشرفت تحصیلی محسوب می‌شوند که معمولاً در ابتدا و در طول دوره تحصیلی و قبل از برگزاری آزمون نهایی، انجام می‌گیرند. هدف این آزمون‌ها, تعیین سطح توانایی فراگیران در بدو ورود به دوره و شناسایی قوت‌ها و ضعف‌های فراگیران و نیز کسب اطلاع استادان از مطالبی است که به درستی یادگرفته نشده‌اند. از این رو, گسترش آزمون‌های تشخیصی, ابزارهای بسیار مناسبی در اختیار استادان و نظام آموزشی قرار می‌دهد تا با شناسایی جنبه‌های قوت و ضعف دانشجویان, به رفع نقاط ضعف‌ها بپردازند و نقاط قوت را تقویت کنند. نتایج این آزمون‌ها بیشتر برای کسب اطلاع استادان و نظام آموزشی و فراگیران از چگونگی پیشرفت فراگیران است. معمولاً کمتر از نتایج این آزمون‌ها برای داوری نهایی درباره فراگیران استفاده می‌شود.

آزمون‌های تصدیقی (Certified Test)

آزمون‌های تصدیقی نیز نوعی از آزمون پیشرفت تحصیلی است که در پایان دوره آموزشی به کار گرفته می‌شود و هدف آن قضاوت در مورد شایستگی فراگیر است که آیا فراگیر به حد قابل قبولی از اهداف آموزشی دست یافته است و توانایی ارتقا به مرحله بالاتر را دارد یا خیر؟ همان طور که ذکر شد, نتایج این آزمون‌ها مبنای داوری نهایی در مورد فراگیر برای ارتقا به سطوح بالاتر است.

هدف آموزشی (Educational Objective)

هدف‌های آموزشی و ضرورت تعیین و بیان هدف‌های آموزشی از سوی استادان و مؤسسات آموزشی در واقع در ادامه و نتیجه نهضتی بود که مؤسسات آموزشی باید پاسخ‌گوی عملکرد خود باشند. بیان هدف‌های آموزشی در واقع نشان‌دهنده ملاک‌هایی است که دانش‌آموختگان این مؤسسات به آنها دست یافته‌اند. از سوی دیگر, تدوین و بیان هدف‌های آموزشی, حرکتی به سوی فراگیر- محوری نیز محسوب می‌شود زیرا با مشخص بودن اهداف آموزشی برای فراگیران، آنها وظیفه خود را برای اینکه چه چیزهایی را باید یاد بگیرند و چگونه باید برای موفقیت در امتحان آماده شوند, می‌دانند.

هدف‌های آموزشی در واقع همان هدف‌های یادگیری فراگیر می‌باشد و بیان‌کننده این است که فراگیر در پایان یک درس یا دوره آموزشی چه چیزهایی را باید یاد گرفته باشد. بیان رفتارهای مورد انتظار از فراگیر در پایان دوره آموزشی در واقع بیان هدف‌های آموزشی است.

گرچه برای بیان هدف‌های آموزشی متخصصان مسائل آموزشی, سطوحی را مطرح کرده‌اند که از اهداف آرمانی تا اهداف مشخص را در بر می‌گیرد و تکنیک‌هایی را برای نوشتن اهداف شناسایی و معرفی کرده‌اند و کتاب‌های زیادی در این مورد تألیف شده است, که مطالعه آنها برای معلمان و استادان مفید است, اما به نظر می‌رسد استادان برای نوشتن اهداف آموزشی بهتر است به نوشتن اهداف آموزشی مشخص, که در برگیرنده تک تک یادگیری‌های مورد انتظار از دانشجویان است, بپردازند. چنین اقدامی هم فرایند تدریس را به سمت یادگیری‌های مورد نیاز فراگیر هدایت می‌کند و هم دانشجویان را برای آنچه از آنها در پایان دوره انتظار می رود، توجیه می‌کند.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-06]

لازم به ذکر است بیان هدف‌های آموزشی و هدایت فرایند تدریس به سمت تحقق اهداف آموزشی، زمانی مفید خواهد بود که امتحانات نیز دقیقاً بر اساس هدف‌های آموزشی بیان شده، طراحی و اجرا شوند.

طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی (Taxonomy of Educational Objectives)

اتفاق نظری که در مورد تعریف یادگیری در بین متخصصان وجود دارد عبارتست از اینکه «**یادگیری یعنی تغییر در رفتار یادگیرنده که محصول تجربه او و نسبتاً با دوام باشد**». بر این اساس باید ملاحظه کرد که تغییر رفتارهای یادگیرنده در چه حیطه یا قلمروهایی انجام می‌شود تا مشمول مفهوم یادگیری باشد. متخصصان یادگیری و روان‌شناسی تربیتی, سه حوزه را برای تغییرات رفتار ذکر کرده‌اند:

الف- حوزه شناختی (Domain Cognative)

در برگیرنده رفتارهایی است مانند: یادآوری، بازشناسی، درک روابط بین پدیده‌ها، تشریح و تلخیص موضوعات، تجزیه و تحلیل یک پدیده، استدلال، ارزشیابی، قضاوت و... که یادگیری در هر کدام از موارد ذکر شده دارای سطوحی می‌باشد که بعداً تشریح خواهد شد.

ب- حوزه عاطفی (Affective Domain)

این حوزه در برگیرنده رفتارهایی است که جنبه واکنشی دارند و خود را در نگرش‌ها و تمایلات افراد نشان می‌دهند. رفتارهایی از قبیل: توجه و تمایل و علاقمندی، نشان دادن واکنش، تعلق به ارزش‌ها و معیارهای خاص و درونی شدن ارزش‌ها، در این حوزه یا قلمرو تلقی می‌شوند.

ج- حوزه روانی- حرکتی (Psychomotor Domain)

این حیطه در برگیرنده رفتارهایی است که جنبه مهارتی در آنها غالب است. برای مثال, رانندگی یا جراحی و... . رفتارهای این حوزه شامل رفتارهایی از تقلید کردن تا رسیدن به سطح مهارت‌های شخصی را در بر می‌گیرد.

لازم به ذکر است که وقتی فردی چیزی را یاد می‌گیرد یعنی تغییری در این سه قلمرو اتفاق افتاده است که به حسب اینکه رفتار یادگرفته شده جدید بیشتر چه حالتی دارد, در یکی از این سه حوزه قرار می‌گیرد. البته در درون نظام شناختی انسان این تفکیک قلمرو وجود ندارد, بلکه این تقسیم‌بندی توسط متخصصان علوم رفتاری برای شناخت و طبقه‌بندی یادگیری‌های انسانی، ایجاد شده است.

تسلط به سطوح یادگیری در هر کدام از سه قلمرو ذکر شده, توانایی‌های استادان را برای بیان بهتر اهداف آموزشی، افزایش می‌دهد. نحوه استفاده از این طبقه‌بندی در بیان اهداف آموزشی در آینده بیشتر تشریح خواهد.

ادامه دارد

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-06]